

## اصول حاکم بر سبک مدیریت رهبر انقلاب اسلامی در کنترل و مهار وقایع انتخابات ۱۳۸۸

منوچهر محمدی<sup>۱</sup>  
مسعود معینی پور<sup>۲</sup>

### چکیده:

انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ در ایران فصل جدیدی از تحولات سیاسی اجتماعی را بعد از گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی رقم زد و تحلیل ابعاد مختلف آن از ضروریات جامعه ایران است. مسأله تحقیق حاضر، بررسی اصول حاکم سبک مدیریت مقام معظم رهبری در کنترل و مهار جریانهای قبل و بعد از انتخابات و نقش مردم در این فرایند مدیریت است. فرضیه ما این است که حل بحرانهای به وجود آمده در این مقطع، بدون دو رکن رهبری (بر پایه دین، عقلانیت و قانون) و جامعه ولایت مدار که سرمایه های اجتماعی اصلی نظام هستند، قابل تحقق نبود. رهبری با بهره گیری از شیوه ای بر مدار دین، عقلانیت و پایداری به قانون و در دو مرحله پسینی و پیشینی و یا دو روش دفعی و رفعی به برخورد با این بحران پرداخت. می توان سبک مدیریت مقام معظم رهبری را سبکی جامع، پویا و منعطف دانست که از ویژگی های مختلف در عرصه مدیریت سیاسی برخوردار است.

**واژگان کلیدی:** انتخابات ۱۳۸۸، سبک مدیریت مقام معظم رهبری، عقلانیت و قانون گرایی.

**Email:** prof.mohammadi@yahoo.com

**Email:** moeini\_masood@yahoo.com

تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۰/۱۲/۲۰

۱. استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

۲. دانشجوی دکتری مطالعات انقلاب اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۸

## مقدمه

پس از ارتحال امام خمینی(ره) و پایان دفاع مقدس و جنگ سخت، دور جدیدی از تقابل با جمهوری اسلامی آغاز شد. در این مرحله، برخورد سخت افزاری جای خود را به مقابله نرم افزاری داد. جنگ نرم ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و رسانه‌ای دارد که دشمن در تمام این حوزه‌ها فعال شد. در تمام این مراحل، عنصر رهبری که قطعاً علت محدثه و مبقیه در بسیج توده‌های مردم و ارائه و تبیین مکتب و دفع و رفع خطرهایی که در کمین موجودیت تمام انقلاب‌ها علی‌الخصوص انقلاب اسلامی ایران است، نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای در مدیریت چالش‌ها و بحران‌های به‌وجود آمده در پی جنگ نرم و سخت دشمن داخلی و خارجی داشته و دارد. بعد از امام(ره)، این وظیفه از سوی خبرگان ملت بر عهده حضرت آیت‌الله خامنه‌ای گذاشته شد. بررسی سبک مدیریت ایشان در بیش از دو دهه رهبری در برخورد با موضوعات مختلف مجال وسیعی می‌طلبد و مسأله اصلی این نوشتار نیست. بلکه در این مقال تنها به دنبال تبیین و تحلیل سبک مدیریت و رهبری ایشان و نقش آحاد مردم و جامعه ولایی در جریان فتنه ۸۸ که به عقیده بسیاری، عظیم‌ترین خطر براندازی نظام بعد از پیروزی تاکنون بوده است، هستیم.

فرضیه ما این است که مقام معظم رهبری با بهره‌گیری از سبکی جامع و پویا، با تکیه بر دین، عقلانیت و قانون‌گرایی و در پیش گرفتن روش و تدابیر دفعی و پیشینی در دوره قبل از انتخابات و رفعی و پسینی در دوره بعد از انتخابات تا فروکش کردن مسائل به وجود آمده پس از انتخابات، به مدیریت فتنه پرداختند. ایشان هم تلاش کرد تا از ظرفیت نخبگان نظام بهره بگیرد و آنها را در مسیر رفتارهای عقلانی و قانونی قرار دهد و هم با بهره‌گیری از ظرفیت جامعه ولایت‌مدار، در زمان مناسب با این سرمایه اجتماعی عظیم، هم‌افزایی کردند و از طریق ورود صاحبان انقلاب به صحنه مبارزه با فتنه برخورد کردند. در حقیقت، نقش رهبری با حضور جامعه ولایت‌مدار در صحنه نبرد جنگ نرم کامل شد.

جنگ نرم علیه ایران به طور رسمی از اوایل دهه هفتاد آغاز شد. و در اواخر دهه هفتاد با قدرتی بسیار زیاد برای از بین بردن نظام اسلامی وارد میدان شد، اما در تمام مراحل از رسیدن به بسیاری از اهداف خود ناکام ماند؛ هرچند توانست برخی اهداف خود را در این مسیر عملی سازد. دو رکن مهم ناکامی‌ها دشمنان داخلی و خارجی در جریان این جنگ نرم تمام عیار، ولی

فقیه و جامعه ولایی بودند که همکاری و هم‌افزایی آنها در جریان وقایع ۱۳۸۸ رخ‌نمایی کرد و براندازان را ناکام گذاشت.

## الف) چارچوب مفهومی

### ۱- مفهوم سبک<sup>۳</sup>

«سبک»، مفهومی است که نشان‌دهنده برتری، امتیاز یا تفاوت‌های یک سبک نسبت به سبک دیگر است. (فرهیخته، ۱۳۷۷: ۶۵-۶۴) سبک هر متفکر یا هنر آفرین، مختص خود او و متناسب با شخصیت اوست. بنابراین، سبک مسائل شخصیت است. مطابق نظر «لون گینرس» سبک هر کس، خود و شخصیت اوست (دهخدا، بی تا: ۱۱۸۲۰/۸). در تعریفی که در علم مدیریت ارائه می‌شود، سبک هر فردی به شخصیت و طرز تفکر او بازگردانده می‌شود که مربوط به نوع تفسیر و تعبیر از تفکرها و نرُم‌های اجتماعی اوست. «سبک یا شخصیت آدمی عبارت است از تعبیر و تفسیر دیگران از رفتارهای نسبتاً پایدار او» (رضاییان، ۱۳۷۹: ۱۸۸).

با توجه به رویکرد بحث حاضر، مفهوم سبک عبارت است از: برآیند مبانی فکری، بینش‌ها و گرایش‌های شخص در قالب رفتار، گفتار و نوشتار که او را از دیگران ممتاز می‌کند. البته، هر شخص ممکن است سبک‌های مختلف را با تکیه بر اصول موضوعه بینشی و گرایشی واحد در ساحات و موضوعات مختلف به کار گیرد.

### ۲- مفهوم مدیریت<sup>۴</sup>

مدیریت عبارتست از: «علم و هنر به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع سخت‌افزاری و نرم‌افزاری از طریق برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، سازماندهی، رهبری و هدایت و کنترل برای دستیابی به اهداف مورد نظر» (رضاییان، ۱۳۷۴: ۲۵).

### ۳- سبک رهبری

بنابر نکات پیش گفته، سبک رهبری شیوه مدیریت جامعه توسط رهبر منتخب مردم در زمان‌های مختلف است که با تکیه بر اصول موضوعه واحد، شیوه‌ای مناسب برای حل هر مسأله و برخورد مناسب با هر جریانی را به کار می‌گیرد. این مهم، باتوجه به مصالح ترمردم و نظام

<sup>۳</sup>. style

<sup>۴</sup>. management

حکومتی و با استفاده از تمامی ابزارها و امکانات لازم، برای بالندگی جامعه و رسیدن به اهداف میانی و غایی نظام شکل می‌گیرد.

سبک مقام معظم رهبری در مدیریت فتنه را می‌توان سبکی جامع، پویا و منعطف دانست. رهیافتی که در عین فرایندگرایی، از سویی از سنت‌شکنی و بدعت‌گذاری‌ها جلوگیری می‌کند و از سوی دیگر، خلاقیت و نوآوری را در چارچوب اصول موضوعه تحسین می‌کند. توجه اصلی به کیفیت و بهبود مستمر وضعیت افراد، علی‌الخصوص نخبگان است و در جهت حفظ توأمان انعطاف‌پذیری و عدم انعطاف (کنترل در عین تشویق خلاقیت) تلاش دارد. همچنین، توجه مدیران به فرهنگ سیاسی داخلی و بین‌المللی را مهم می‌داند. مدیریتی که در آن بر نقش مردم در احداث و ابقای نظام و حضور در صحنه آنها تأکید فراوان می‌کند و از عوامل معنوی استمداد می‌کند و جامعه را به سمت حقیقت دین سوق می‌دهد (افتخاری و حسین‌زاده، ۱۳۹۰).

با توجه به ادبیات رایج در باب تعاریف واژگان کلیدی، طرح این ایضاح مفهومی، ضروری به نظر می‌رسید تا علاوه بر مشخص شدن موضع نگارندگان، خلط بحثی پیش نیاید.

### ب) چارچوب نظری

در مطالعات مربوط به رهبری، برحسب معیارهای مختلف، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از انواع رهبران به عمل آمده است که یکی از این معیارها منبع اقتدار رهبران است. اعمال مدیریت سیاسی از مهم‌ترین مصادیق اعمال اقتدار رهبران برای مدیریت نظام اجتماعی و سیاسی است و ایجاد این اقتدار از هر طریق نشان‌دهنده میزان و منشأ مقبولیت اوست. این تقسیم‌بندی متأثر از دیدگاه ماکس وبر درباره منابع سلطه و اقتدار رهبران است و در مباحث مدیریت سیاسی ارزش زیادی دارد. این مفهوم، به ویژه برای مطالعه جنبش‌های انقلابی اهمیت بسیاری دارد (بشیریه، ۱۳۷۲: ۲۵-۲۰؛ فروید، ۱۳۶۲: ۱۶۴-۱۶۰). به نظر وبر، رهبر می‌تواند اقتدار خود را از سه منبع کاریزما، سنت و قانون کسب کند.

۱- کاریزما: کاریزما نیرو و ویژگی‌ای است که باعث می‌شود افراد واجد آن از انسان‌های عادی، متمایز و به صورت افرادی با قدرتی فوق‌طبیعی، فوق‌انسانی یا دست‌کم، استثنایی و نادر نمایانده شوند. در رهبری کاریزماتیک، اعتقاد پیروان به ویژگی خارق‌العاده رهبر، اهمیتی اساسی

دارد. این گونه رهبری بر پایه مدیریت عواطف و احساسات پیروان استوار است و الزاماً هر اقدام رهبر برآمده از منبع قانونی و عقلانی نیست.

۲- **سنت:** رهبری که مشروعیت و منبع اقتدار او بر اساس سنت و آداب و رسوم جاری در جامعه شکل می‌گیرد.

۳- **قانونی:** در این نوع رهبری، قانون و منبع عقلانیت است که به اقتدار رهبر و شیوه مدیریت او مشروعیت می‌دهد (بشیریه، ۱۳۷۷: ۶۳-۵۷).

تا به حال، این مدل‌ها درباره رهبران مختلفی از جمله امام خمینی(ره) بحث شده و عقاید مختلفی در باب آن وجود دارد. مثلاً پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی بسیاری از محققان با اتکا و استناد به چارچوب ماکس وبر(وبر، ۱۳۷۴: ۴۳۶)، سیادت و رهبری امام خمینی(ره) را کاریزماتیک خوانده و معتقدند سیادت و کاریزمای امام با یک حالت انقلابی و مقتدرانه، ارزش‌ها را دگرگون کرد و هنجارهای سنتی و عقلایی موجود را در هم شکست. برخی دیگر از محققان نیز با تفکیک میان شخصیت کاریزمایی و رفتار کاریزماتیک، سیادت و رهبری امام امت(ره) را از نوع سیادت کاریزمایی الهی قلمداد کرده و معتقدند که امام خمینی، خواست معطوف به قدرت نداشت و همیشه اراده خود در رهبری سیاسی را معطوف به انجام تکلیف شرعی و خدمت به مردم می‌دانست (مهدوی‌زادگان، ۱۳۸۴: ۱۷۴). گروه دیگری از محققان نیز بر این باورند که مردم ایران با بهره‌گیری از الگوی همانندسازی، عواطف خود نسبت به امام حسین(ع) را به امام خمینی(ره) منتقل کرده و باور کرده‌اند که در وجود رهبری انقلاب اسلامی ایران نیز یک سلسله خصلت‌های خارق‌العاده و فوق‌انسانی وجود دارد (حسینی، ۱۳۷۸: ۱۲۰). اظهارنظر درباره این دیدگاه‌ها از حوصله این مقال بیرون است؛ تنها نکته‌ای که باید گفت این است که یکی از ایراداتی که بر نظریه وبر وارد است، حذف عنصر عقلانیت از رابطه پیروان و رهبری است. در نمونه رهبری امام(ره) و البته مقام معظم رهبری که اگر بتوان آن را واجد ویژگی کاریزماتیک (با تفکیکی که داود مهدوی‌زادگان از آن دارد) دانست، عنصر عقلانیت و تلاش امام(ره) و مقام معظم رهبری برای بارورکردن آن حتی بین توده‌های مردم نقش اساسی دارد که بررسی آن مجال وسیع می‌طلبد. با این حال، علی‌رغم ایرادات وارد به نظریه وبر، این تئوری بخشی از چارچوب نظری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد و بایستی برای رهبری مقام

معظم رهبری سبکی جامع، پویا و منعطف را با تکیه بر دو عنصر عقلانیت و قانون به عنوان عنصر اقتداربخش برای مدیریت بحران در نظر گرفت. ضمن اینکه مقام معظم رهبری، بحران را در دو مرحله پیشینی (قبل از بروز آن و قبل از برگزاری انتخابات) با روش دفعی، یعنی انجام اقدامات پیشگیرانه و مرحله پسینی (بعد از انتخابات و رخ نمایی رسمی فتنه) و انجام اقدامات رفعی در متن بحران از قبیل آگاهی بخشی به نخبگان و مردم، جلوگیری از قانون شکنی حتی به وسیله عوامل اجرایی بدنه نظام و... تا زمان بازگرداندن آرامش و ثبات به جامعه، مدیریت کردند.

### ج) مدیریت دفعی در مرحله پیشینی

#### ۱- اهمیت انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری

دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری از چند حیث دارای اهمیت بود:

یک، این انتخابات در اولین سال دهه چهارم انقلاب برگزار می شد که از سوی مقام معظم رهبری، دهه «پیشرفت و عدالت» نامیده شده بود. تفاوت دهه چهارم با سه دهه گذشته در این است که بسترهای لازم برای تحقق پیشرفت و عدالت توأمان چه در سطوح سیاستگذاری و چه در سطح مطالبات عمومی فراهم شده است.

دو، رسانه های بین المللی و سرویس های جاسوسی دشمن نسبت به این انتخابات بسیار حساس تر از گذشته بودند. در تحلیل گفتمانی این تبلیغات، هدف اصلی «بدبین کردن مردم به انتخابات» بود و گزاره هایی نظیر «این انتخابات نیست، انتصابات است»؛ «این یک بازی کنترل شده درون حکومت است»؛ «رقابت های انتخاباتی همه ظاهر سازی و بازی است»؛ «در انتخابات قطعاً تقلب انجام خواهد گرفت» و ... به چشم می خورد.

سه، انتخابات دهم ریاست جمهوری، هشت ماه بعد از روی کار آمدن رئیس جمهور جدید آمریکا «باراک اوباما» برگزار می شد که به نوبه خود، می توانست موجب متغیرهای جدیدی در روابط ایران و آمریکا باشد.

چهار، فعالیت های تبلیغاتی و سیاسی این انتخابات، نسبت به انتخابات گذشته بسیار زود هنگام و درست پس از بسته شدن پرونده انتخابات مجلس هشتم آغاز شد که در نوع خود بی سابقه بود.

دورنمای انتخابات ریاست جمهوری دهم، صحنهٔ یک رقابت جدی بین بازیگران قدیمی و نوپدید بود. وزن کشتی‌های ابتدایی آن از یک سال پیش آغاز شده بود. یکی از اولین گام‌های آغازین فتنه‌گران قبل از انتخابات دهم، انتقادات آنان نسبت به حمایت‌های رهبری از دولت بود. مقام معظم رهبری در مقابل این فضای تخریبی علیه دولت، موضع روشنی داشت. ایشان در خطبه‌های نماز جمعه تهران با اشاره به قضاوت‌های صحیح و سقیم نخبگان دربارهٔ اقدامات دولت گفت:

ما حدود نه ماه هنوز تا انتخابات فاصله داریم، اما خاصیت انتخابات این است که عناصر، فعال می‌شوند؛ حرف می‌زنند. ... لیکن انسان احساس می‌کند که در بین آنچه که امروز گفته می‌شود، بی‌انصافی‌هایی صورت می‌گیرد. اگر کسی برای آینده کشور، برای حل آنچه که معضلات کشور می‌نامند، برنامه‌ای دارد، حرفی دارد، آن حرف را بیان کند... تخریب کردن دولت، هیچ مصلحت نیست و جزو کارهای صحیح اسلامی نیست (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۶/۳۰).

عموم نخبگان اعم از اصولگرا و اصلاح طلب مخاطب هشدار مقام رهبری بودند. رایج شدن بداخلاقی و بی‌انصافی در جامعه از دغدغه‌ها و دل نگرانی‌های کلان رهبری بود.

تشریح مطالبات و توقعات از دولت و طرح دیدگاه‌ها توسط رهبری، نسبت به مسائل جاری کشور، نوعی کارگاه آموزشی برای نقد ناصحانه و ارزیابی منصفانه توسط جریانان سیاسی قلمداد می‌شد.

## ۲- برجسته سازی اصل افزایش مشارکت سیاسی

مقام معظم رهبری تلفیقی از ملاحظات استراتژیک در انتخابات دهم ریاست جمهوری داشت که فراتر از برگزاری انتخابات گذشته و یا پیروزی یک جریان سیاسی خاص بود. ایشان، بر مشارکت گستردهٔ مردم و رقابت جدی کاندیداها تأکید داشت. متوسط میزان حضور مردم در چند انتخابات گذشته بالغ بر شصت درصد بود اما در این دوره با توجه به تشدید فشارهای بین‌المللی و سیاه نمایی‌های برخی جریانان داخلی، آیت‌الله خامنه‌ای، به طور جدی خواستار تحقق یک مشارکت گسترده‌تر و پرشورتر بود.

صورت مسئله رقابت در ایران و به‌خصوص در انتخابات نهم ریاست جمهوری یک منشور چند وجهی بود که با اهتمام اصولگرایان و اصلاح طلبان به تکثر سیاسی نزدیک و رقابت را از

حالت دو قطبی مرسوم، خارج کرده بود و موجب افزایش کیفیت مردم‌سالاری دینی و مشارکت ملی بیشتر، شده بود.

مقام معظم رهبری یک ماه قبل از برگزاری انتخابات دهم در کردستان ضمن دعوت آحاد مردم برای شرکت در انتخابات، فرمودند:

انتخابات آبروی ملی ماست؛ انتخابات یکی از شاخص‌های رشد ملی ماست؛ انتخابات وسیله‌ای برای عزت ملی است. وقتی ببینند که ملت ایران با شور و با شعور و با درک کامل و آگاهی پای صندوق‌های رأی می‌روند، معنایش چیست؟ معنایش این است که ملت برای خود حق و توان تصمیم‌گیری قائل است ... (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۸/۲/۲۲).

### ۳- گفتمان سازی برای جلوگیری از انحراف (خواص و آحاد مردم)

از مهم‌ترین مسؤولیت‌های مقام رهبری در انتخابات مختلف، صیانت از جهت‌گیری‌های اصلی انقلاب اسلامی و گفتمان‌سازی در راستای نیازهای حیاتی و ملزومات اساسی کشور است. مقام رهبری در انتخابات ۸۸ دو محور گفتمانی «سیرت و صورت انقلاب اسلامی» و موضوع «عدالت و پیشرفت توأمان» را بر اساس مبانی انقلاب و ضرورت‌های کشور به موازات یکدیگر طراحی و تبیین کردند.

در ماه‌های منتهی به انتخابات، بازشناسی هویت انقلاب اسلامی به عنوان نرم‌افزار کشورداری و پایبندی به عناصر کلیدی انقلاب اسلامی، بارها مورد تأکید مقام رهبری قرار گرفت. ایشان این بار در جمع دانشجویی، با پررنگ کردن عوامل ماندگاری انقلاب اسلامی و با برشمردن شاخص‌های هویت انقلاب اسلامی، ایستادگی بر نفی و اثبات‌های نظام را رمز بقای انقلاب دانست.

شاخص‌بندی و خط‌کشی هویت انقلاب اسلامی توسط رهبری، ذیل ضرورت بازخوانی گفتمان انقلاب اسلامی و نیز آسیب‌شناسی آن صورت می‌گرفت. در واقع، با گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی، فرصت مناسبی برای آسیب‌شناسی نظام اسلامی، فارغ از تعارفات متداول، در عین احتیاط‌های حیاتی، فراهم شده بود.

آیت‌الله خامنه‌ای با التفات به کلان‌نگری در آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی، یک مسیر اصلاحی را در رویکردهای پاتولوژیک (آسیب شناسانه) نسبت به نظام اسلامی گشود که نه تنها کارکردهای سیستمی و فرایندی یک نظام سیاسی انقلابی را در حوزه سیاست‌گذاری‌های مقطعی



خلاصه نمی‌کرد، بلکه تفصیل و کلان‌نگری در آسیب‌شناسی را نسبت به تعمیم سیاست‌ها بر اصول ترجیح می‌داد.

محور گفتمانی دیگر، مسأله «عدالت و پیشرفت» توأمان بود که در دهه چهارم انقلاب مطرح شده بود و انتخابات دهم ریاست جمهوری نیز در اولین سال دهه عدالت و پیشرفت برگزار می‌شد. مقام معظم رهبری با محاسبه نیازهای حیاتی کشور به منظور تنظیم آهنگ حرکت مردم و مسؤولان، به طرح عناوین و شعارهای عملیاتی پرداخت و تمام امکانات و منابع موجود را در راستای تحقق اهداف این نامگذاری، در یک نقطه متمرکز کرد.

مقام رهبری همین محور گفتمانی را در انتخابات دهم ریاست جمهوری دنبال کرد. محور این رویکرد، در پاسخ به سؤالاتی طراحی و تبیین شد که مسائل اصلی کشور را مدنظر قرار می‌داد. سؤالاتی از این قبیل که برای رأی‌دهندگان ایرانی در انتخابات ۸۸ چه موضوع یا موضوعاتی مهم و حیاتی است؟ و الگوی آرمانی از یک محیط زیست سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در ذهن شهروندان ایرانی کدام است؟ و ... .

#### ۴- تحذیر از افتادن در دام دشمن

یکی از پروژه‌های جدیدی که دشمنان، قبل از انتخابات به آن دامن زده بودند، شایعه تقلب در انتخابات بود. دشمنان که در پروژه پایین‌آوردن مقبولیت نظام و به تبع آن، پایین‌آوردن حضور مردم در پای صندوق‌های رأی از روش‌های مختلف ناکام مانده بودند، پروژه تخطئه سلامت انتخابات و به تبع آن از بین بردن مقبولیت و مشروعیت نظام را دنبال می‌کردند و این جریان را بعد از انتخابات نیز پی‌گیری کردند.

در این بین، اظهارات برخی از اشخاص و حتی نامزدهای همسو با خط دشمن و رسانه‌های بیگانه، فضای سالم انتخابات را به سمت تردید و تشکیک سوق می‌داد و اتهام تقلب در انتخابات را پررنگ می‌کرد. مقام معظم رهبری در مقابل این جریان، سه ماه قبل از برگزاری انتخابات موضع گرفت و در اولین روز سال ۱۳۸۸ نسبت به آن هشدار داد (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۸/۱/۱). البته، اتخاذ چنین رویکردی از جانب برخی گروه‌های سیاسی برای افکار عمومی دور از ذهن و غیر معمول نبود. اما در دهمین انتخابات ریاست جمهوری اهتمام مضاعفی برای القای این شبهه بود که قرار است در این دوره تقلب شود.

مقام معظم رهبری بارها قبل و بعد از انتخابات نسبت به حمله دشمن و تخطئه نهادهای قانون اساسی و انتخابات هشدار داد و از نامزدهای انتخابات خواست که حرف دروغ دشمن را تکرار نکنند: «متأسفانه برخی دوستان بی‌انصاف با تکرار حرف دروغ دشمن، سلامت انتخابات را زیر سؤال می‌برند» (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۸/۲/۹).

ایشان مقصود دشمن از پررنگ کردن اتهام تقلب در انتخابات را توطئه‌ای در راستای کاهش مشارکت عمومی و سلب اعتماد از مردم می‌دانست (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۸/۳/۱۴).

مقام رهبری بعد از انتخابات نیز در خطبه‌های نماز جمعه ۲۹ خرداد از نامزدهای معترض خواست که حرف دشمن را تکرار نکنند.

این خط را از پیش از انتخابات هم شروع کردند؛ از دو سه ماه پیش از این. من اول فروردین در مشهد گفتم هی دارند دائماً به گوش‌ها می‌خوانند، تکرار می‌کنند که بناست در انتخابات تقلب بشود. می‌خواستند زمینه را آماده کنند (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۸/۳/۲۹).

#### ۵- نقد منصفانه و سازنده مناظرات

مناظرات سیاسی در ایام انتخابات که در پیوند مستمر با تبلیغات منفی و مثبت نامزدها جریان می‌یابند، در صورتی که آیین گفتگو را رعایت کنند، می‌تواند به ارزیابی صحیح و قضاوت دقیق رأی‌دهندگان از برنامه‌ها و عملکردهای کاندیداها کمک کند. از دیدگاه رهبری، مهم‌ترین نکته مثبت این مناظرات، بالا بردن قدرت انتخاب مردم به واسطه شفاف شدن فضای رقابتی و امکان قضاوت صحیح بود که منجر به افزایش بی‌سابقه نصاب رأی در تاریخ انقلاب شد. اما در عین حال، توزیع عادلانه امکانات رسانه‌ای، نباید زمینه‌ای را برای تبلیغات منفی و تخریب رقبا فراهم آورد تا مرزهای اخلاقی در آن شکسته شود. رقابت اخلاقی و سالم در مردم‌سالاری دینی باعث گریز از این آسیب خطرناک می‌شود تا مدیریت افکار عمومی در اعوجاجات بی‌تقوایی و عدم پرهیزکاری در سیاست گم نشود. مقام رهبری در تبیین عیوب مناظره‌ها فرمودند:

در مواردی، انسان می‌دید که در این مناظره‌ها جنبه منطقی مناظره ضعیف می‌شد؛ جنبه احساساتی و عصبی پیدا می‌کرد؛ جنبه تخریبی غلبه پیدا می‌کرد؛ سیاه‌نمایی وضع موجود به شکل افراطی در این مناظره‌ها دیده شد؛ سیاه‌نمایی دوره‌های گذشته هم در این مناظره‌ها مشاهده شد؛ هر دو بد بود. اتهاماتی مطرح شد که در جایی اثبات نشده است؛ به شایعات تکیه شد، بی‌انصافی‌هایی احیاناً دیده شد؛ هم بی‌انصافی نسبت به این دولت با این همه حجم خدمت

و هم بی‌انصافی نسبت به دولت‌های گذشته و دوران سی ساله (مقام معظم رهبری):  
۱۳۸۸/۳/۲۹.

آیت‌الله خامنه‌ای هر دو طرف انتخابات را در این عیوب مقصر عنوان کرد و آنها را مورد  
عتاب قرار داد (همان).

### ب) مدیریت رفعی در مرحله پسینی

#### ۱- تشریح فضای امتحان و احتمال مردودی

ایشان در اولین برخورد با اتفاقات پس از انتخابات، آن را یک آزمون و امتحان سرنوشت‌ساز  
برای نخبگان جامعه خواند و در دیدار مسؤولان نظام در سال‌روز بعثت نبی مکرم اسلام (ص)  
تصریح کردند: «نخبگان مراقب باشند؛ زیرا در امتحان عظیمی قرار گرفته‌اند و موفق‌نشدن در  
این امتحان، تنها مردود شدن نیست بلکه موجب سقوط آنان خواهد شد» (مقام معظم رهبری):  
۱۳۸۸/۴/۲۹.

رهبر انقلاب بر همین اساس، در مواجهه و تحلیل حوادث بعد از انتخابات، آمیختن حق با  
باطل و دشواری تشخیص حقیقت را برای پیروان حق، شیوه دیرینه مخالفان اسلام دانسته و با  
یادآوری هشدار امیرمؤمنان در این باره تأکید کردند: «بصیرت مهم‌ترین راه مقابله با این  
فتنه‌آفرینی‌هاست» (مقام معظم رهبری): ۱۳۸۸/۷/۱۵.

#### ۲- تلاش برای حل مسأله از طریق گفتگو با سران معترضین و دعوت به رعایت قانون

یک پیغام خصوصی به صحنه گردانان فتنه: بیانیه‌های غیر مستند مهندس موسوی و تحرکات  
عده‌ای از هواداران وی در چند خیابان مرکزی تهران منجر به سلسله حوادثی شد که موجبات  
آسیب‌رساندن به اموال عمومی و مزاحمت برای نوامیس مردم توسط فرصت‌طلبان را فراهم  
کرد. این اتفاقات بلافاصله در رسانه‌های بیگانه و تلویزیون‌های ماهواره‌ای تحت عنوان «ایران  
به آشوب کشیده شده است» منعکس شد و حماسه چهل میلیونی ملت ایران را تحت‌الشعاع قرار  
داد. دشمن منتظر فرصت برای سوء استفاده از اعتراضات بود. لحن موسوی به طور آشکاری  
تغییر کرد، اما رهبری به طور خصوصی به او پیغام می‌دهد.

من روز اول این را پیغام دادم به همین حضراتی که صحنه‌گردان این قضایا هستند؛ ... گفتم  
این را شما دارید شروع می‌کنید، اما نمی‌توانید تا آخر کنترل کنید؛ می‌آیند دیگران سوء استفاده

می‌کنند. حالا دیدید آمدند سوء استفاده کردند؛ مرگ بر اسرائیل را خط زدند! مرگ بر آمریکا را خط زدند! ... آئی که وارد عرصه سیاست می‌شود، باید مثل یک شطرنج‌باز ماهر هر حرکتی را که می‌کند، تا سه تا چهار تا حرکت بعد از او را هم پیش‌بینی کند... (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۸/۸/۶).

در شطرنج فتنه، مهره‌ها گاه بی‌هدف و گاه بدون چشم‌اندازی از حرکت طرف مقابل جابه‌جا می‌شوند. هیچ تصویر درستی از چند حرکت بعدی و ابعاد و پیامدهای آن مقابل دیدگان سران فتنه وجود ندارد. این در حالی است که یکی از مهم‌ترین فنون بازی شطرنج سیاست، بازی خوانی است.

اگر نگاه خوشبینانه‌ای به جریان موسوی و اطرافیان رادیکال‌اش داشته باشیم، حداقل چیزی که می‌توانیم بگوییم، فقدان یک چشم‌انداز روشن توسط آنان بود که بحران آفرین شد و دست دشمن را برای مدیریت پرنانازی نظام باز کرد. درحقیقت، موسوی و اعوانش در زمین دشمن و به نفع آن بازی کردند. مهندس موسوی می‌توانست با ارائه مستندات و تکیه بر مواد قانونی به پیگیری مطالبات خود به گونه‌ای منطقی و به دور از ایجاد تنش بپردازد؛ چه بسا بسیاری از افراد نیز در این صورت متفطن می‌شدند که در جریان انتخابات اشتباهی رخ داده و حقی از کسی ضایع شده است. اما جالب است با بررسی بیانیه‌های او می‌بینیم که حتی یک مستند قانونی یا مدرک معتبر دال بر حقانیت ادعاهای آنان یافت نمی‌شود و گویا اصرار داشتند که مطالبات خود را از مسیری غیرمعمول و با بهره‌گیری از عنصر فشار از طریق اردوکشی‌های خیابانی و ... پیگیری کنند. آنان به گونه‌ای به دنبال این بودند که رهبری و نهادهای قانونی را در مقابل حرکت‌های حساب شده خود منفعل سازند و آنان را در حل مسائل کشور و مدیریت آن ناکارآمد نشان دهند و ساحت قانون را هتک کنند.

دو. تأیید فرایند و نتیجه انتخابات بعد از تأیید نهادهای قانونی: فشارهای معترضین در روز ۲۳ خرداد به نتیجه نرسید. مقام معظم رهبری، بعد از ظهر این روز پس از تأیید نتایج اعلام شده وزارت کشور توسط شورای نگهبان در پیام مهمی ضمن بزرگداشت حضور تعیین‌کننده، مقتدرانه، متین و آرامش‌آفرین ملت بزرگ و هنرمند ایران در جمعه حماسی ۲۲ خرداد، تأکید کردند: «رئیس

جمهور منتخب و محترم، رئیس جمهور همه ملت ایران است و همه و از جمله رقیبان دیروز باید یکپارچه از او حمایت و به او کمک کنند». ایشان در این پیام افزود:

گمان بر این است که دشمنان بخواهند با گونه‌هایی از تحریکات بدخواهانه، شیرینی این رویداد را از کام ملت بزدایند. به همه آحاد مردم و به ویژه جوانان عزیز که سرزنده‌ترین نقش‌آفرینان این حادثه شورانگیز بودند، توصیه می‌کنم که کاملاً هشیار باشند. چه طرفداران نامزد منتخب و چه هواداران دیگر نامزدهای محترم، از هرگونه رفتار و گفتار تحریک‌آمیز و بدگمانانه پرهیز کنند(مقام معظم رهبری: ۱۳۸۸/۳/۲۳).

آیت‌الله خامنه‌ای رأی قاطع مردم در ۲۲ خرداد را، رأی به گفتمان انقلاب و احیای ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌دانست که با گذشت سی سال از آغاز مردم‌سالاری دینی در این کشور از همیشه تازه‌نفس‌تر و سرزنده‌تر در صحنه حاضر شده و دوستان و دشمنان را به ادامه راه روشن خود مطمئن می‌سازد.

سه. ملاقات مهندس موسوی با مقام معظم رهبری در ۲۴ خرداد: در این دیدار، میرحسین موسوی ضمن ارائه گزارشی، دیدگاه خود را درباره روند انتخابات بیان کرد. رهبر معظم انقلاب در این ملاقات با تأکید بر لزوم حفظ آرامش و متانت خطاب به موسوی گفتند:

در دوره‌های قبلی انتخابات نیز برخی افراد و نامزدها، مسائلی داشتند که از طریق شورای نگهبان به عنوان مرجع قانونی رسیدگی به شکایات انتخاباتی، پیگیری کردند و در این دوره نیز، مسائل باید از طریق قانونی دنبال شود(روزنامه ابتکار: ش ۱۴۹۸، ۱۳۸۸/۳/۲۶).

ایشان با اشاره به نامه مهندس موسوی به شورای نگهبان افزود: «به شورای نگهبان تأکید شده که با دقت به این نامه رسیدگی شود». آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به تحریکات دشمن و برخی طراحی‌های پشت صحنه برای به آشوب کشاندن خیابان‌ها خطاب به وی گفت: «جنس شما با این گونه افراد متفاوت است و لازم است کارها را با متانت و آرامش پیگیری کنید» (همان).

روز بعد از این دیدار، به تاریخ ۲۵ خرداد ۸۸ در خیابان آزادی، میرحسین موسوی به توصیه‌های رهبری توجهی نکرد و با حضور در بین تظاهرکنندگان بر ادعای خود مبنی بر تقلب تأکید کرد. این در حالی بود که وی پیش از این، در ایام تبلیغات انتخاباتی، بارها از تبعیت عملی

از ولی فقیه تأکید کرده بود و حتی در سخنرانی خود در دانشگاه مازندران، به انتقاد از عملکرد دولت در جداسازی سازمان حج بر خلاف نظر رهبری پرداخته بود (سایت تابناک: ۱۳۸۹/۳/۲۴). چهار دیدار نمایندگان ستادهای چهار نامزد ریاست جمهوری با مقام رهبری: نمایندگان ستادهای چهار نامزد دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری عصر ۲۶ خرداد در نشستی دوستانه در حضور آیت‌الله خامنه‌ای، دیدگاه‌های خود را درباره انتخابات و مسائل مربوط به آن به طور صریح و شفاف بیان کردند و مسؤولان ذیربط نیز توضیحاتی را ارائه دادند. در این نشست که نمایندگان شورای نگهبان قانون اساسی، وزارت کشور، سازمان بازرسی کل کشور و کمیسیون تبلیغات انتخابات حضور داشتند، رهبر انقلاب تأکید کردند انتخابات نباید وسیله انشقاق و اختلاف میان مردم شود:

اینکه تصور شود در یک طرف ۲۴ میلیون نفر و در طرف دیگر ۱۴ میلیون نفر قرار دارند، خطای بزرگی است؛ زیرا آن کسانی که به رییس جمهور منتخب و همچنین کاندیداهای دیگر رأی دادند، همه به یک اندازه دل بسته و معتقد به نظام اسلامی هستند.

برگزاری این جلسه صمیمی با طرح صریح و شفاف دیدگاه‌های رقبا درباره نحوه برگزاری انتخابات، نمایش اوج تساهل و سماحت مطلوب نظام اسلامی بود. انتشار این خبر، مردم را نسبت به پایان یافتن ناآرامی‌ها و فیصله‌بخشی به اعتراضات امیدوار کرد، اما بیانیه موسوی در روز ۲۷ خرداد بار دیگر اعوجاجات مسیر بازگشت ثبات و رسیدگی به شکایات را بیشتر کرد. موسوی با انتشار بیانیه‌ای از هواداران خود خواست برای همدردی با خانواده‌های مصدومان وقایع اخیر، روز پنجشنبه با نماد سوگواری در مساجد و تکایا اجتماع کنند و یا به راهپیمایی بپردازند.

۳- در جریان قرار دادن عموم مردم، اتمام حجت با سران فتنه و دعوت به رعایت قانون یک، رودررو با مردم در نماز جمعه ۲۹ خرداد: رسانه‌های خارجی در روز ۲۸ خرداد افکار عمومی را به این سو هدایت کردند که آیت‌الله خامنه‌ای فردا حرف اول و آخر را می‌زند. این رسانه‌ها در هفته پس از انتخابات، تصاویر برگزیده از اغتشاشات و راهپیمایی‌های معترضین را در بخش‌های مختلف خود منتشر کردند و سعی داشتند القا کنند که آیت‌الله خامنه‌ای در اثر فشار اعتراضات روز جمعه کوتاه آمده و انتخابات را ابطال می‌کند. مفروض این رسانه‌ها این بود که نماز جمعه ۲۹ خرداد علامت عقب نشینی نظام خواهد بود. از این رو، بی.بی.سی، سی.سی.ان.ان، الجزیره،

العریبه و تعداد دیگری از رسانه‌های مهم بین‌المللی تصمیم گرفتند خطبه‌های نماز جمعه را به طور مستقیم پخش کنند. اما خطبه‌های آیت‌الله خامنه‌ای مسیر را بر خلاف میل رسانه‌های خارجی ورق زد.

بیانات وحدت بخش رهبری در یکی از بزرگ‌ترین نماز جمعه‌های تهران حکایت از باورمندی عمیق نظام مردم‌سالاری دینی به رأی و خواسته قلبی مردم و ضرورت قانونگرایی نخبگان سیاسی و نامزدها داشت. ایشان در خطبه دوم نماز جمعه باشکوه تهران صمیمانه‌ترین و خالصانه‌ترین تجلیل‌های خود را نثار ملت شریف و بزرگوار ایران کرد که با حضور بی‌سابقه ۸۵ درصدی پای صندوق‌های رأی، احساس مسؤولیت ملت برای سرنوشت کشور پس از گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی را به نمایش گذاشتند. رؤس برخی مطالب مطرح شده توسط مقام معظم رهبری عبارت بودند از:

تعلق همه رأی دهندگان به جبهه انقلاب: حوادث قبل و بعد از انتخابات دهم، نشان داد حضور همیشگی ملت ایران در عرصه‌های مختلف، ناشی از ایمان قلبی به نظام اسلامی است و این یک پدیده منحصر به فرد در انقلاب اسلامی است.

نقش ولی فقیه در حفظ آرای مردم: دفاع مؤمنانه ولی فقیه از جمهوریت نظام در سی سال گذشته واقعیتی غیرقابل انکار است که دشمنان انقلاب نیز بدان اعتراف دارند. نتیجه آرای عمومی در ایران مظهر وحدت ملی است و ولایت فقیه پشتیبان و حافظ اراده ملی است. در فتنه ۸۸ نیز نقش کلیدی ولی فقیه در حفظ آرا و اراده ملی ثابت شد. از سویی دیگر، این نقش، جنبه تربیتی و تأثیر استعلائی داشته است. به گونه‌ای که جمهوریت نظام روز به روز به مردم‌سالاری دینی نزدیک‌تر می‌شود.

فصل الخطاب بودن قانون: رهبر انقلاب در نماز جمعه ۲۹ خرداد خطاب به پیش‌آهنگان جریان معترض گفتند:

من به این برادران عرض می‌کنم، به مسؤولیت پیش‌خدا متعال فکر کنید. پیش‌خدا مسؤولید، از شما سؤال خواهد شد. آخرین وصایای امام را به یاد بیاورید؛ قانون، فصل الخطاب است؛ قانون را فصل الخطاب بدانید. انتخابات اصلاً برای چیست؟ انتخابات برای این است که همه اختلاف‌ها سر صندوق رأی حل و فصل بشود. باید در صندوق‌های رأی معلوم بشود که مردم چی می‌خواهند، چی نمی‌خواهند؛ نه در کف خیابان‌ها.

**مسئولیت خواص:** مقام رهبری در نماز جمعه تاریخی مسئولیت خواص را به آنها گوشزد کرد و فرمود:

اگر نخبگان سیاسی بخواهند قانون را زیر پا بگذارند، یا برای اصلاح ابرو، چشم را کور کنند، چه بخواهند، چه نخواهند، مسؤول خون‌ها و خشونت‌ها و هرج و مرج‌ها، آنهایند. من به همه این آقایان، دوستان قدیمی، این برادران توصیه می‌کنم سعه صدر داشته باشید؛ دست‌های دشمن را ببینید ...

توسل به صاحب انقلاب اسلامی امام زمان (عج): آیت‌الله خامنه‌ای در پایان خطبه دوم به امام زمان (عج) متوسل شد که صحنه‌ای شبیه به بیانات مهم ایشان پس از حوادث کوی دانشگاه در ۱۸ تیر ۱۳۷۸ را خلق کرد (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۸/۳/۲۹). عنصر استمداد به حضرت حجت نشان از این دارد که صاحب انقلاب کسی دیگر است و ما همه تلاش می‌کنیم در مسیر کسب رضایت او گام برداریم. مسأله دیگر اینکه جایگاه عنصر معنویت اصیل و مکتب‌گرایی را هر چه بیشتر و بهتر در کوران مسائل انقلاب گوشزد می‌کند؛ چیزی که یکی از عناصر اصلی ایجاد انقلاب است و بقای انقلاب نیز به آن وابسته است.

#### ۴- روشنگری ابعاد فتنه در مناسبت‌های مختلف برای تنویر اذهان مردم و نخبگان

پس از اتمام حجت نظام و رهبری با جریان فتنه در نماز جمعه ۲۹ خرداد و تمکین‌نکردن سران فتنه به توصیه‌ها و رهنمودهای مقام رهبری، ایشان به مناسبت‌های مختلف ابعاد مختلف این فتنه بزرگ را تشریح کردند.

یک. هشدار درباره توطئه در برابر ملت: رهبر انقلاب اسلامی در دیدار اقشار مختلف به مناسبت میلاد حضرت علی (ع) با اشاره به نقش اسلام و انقلاب اسلامی در یکپارچگی ملت ایران، لزوم حفظ وحدت و همدلی را یادآور شدند:

انتخابات پرشور ۲۲ خرداد که با مشارکت بی‌نظیر ۸۵ درصدی مردم همراه بود، نشان داد که انقلاب اسلامی بعد از گذشت ۳۰ سال توانایی این‌گونه به صحنه آوردن مردم را دارد. بنابراین، دشمنان دست به کار شدند تا میان مردم ایجاد اختلاف کنند که تا حدی هم موفق شدند، ولی ملت باید این توطئه را خنثی کند (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۸/۴/۱۵).



هشدار رهبری در آن مقطع اهمیت بسیاری داشت و غفلت از آن، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را برای کشور و مردم به دنبال داشت. ضمن اینکه رهبر انقلاب در این مقطع تلویحاً در پی بیان کارآمدی نظام در این سی سال بود؛ چیزی که شاهد اصلی آن حضور حداکثری مردم بود. دشمن در انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ روی سه شکاف عمده، سرمایه‌گذاری کرده بود:

اول) شکاف دولت-دولت؛ دوم) شکاف دولت-ملت؛ سوم) شکاف ملت - ملت.

هر چند دشمن در این سرمایه‌گذاری ناکام شد، اما به کالبد اجتماعی و سیاسی جامعه صدماتی وارد ساخت. در داخل، عده‌ای از روی جهل، ضمن همراهی خواسته یا ناخواسته با این توطئه، بخش‌هایی از این بازی دومینوی خطرناک را برعهده گرفتند و با قانون شکنی، زمینه‌های ایجاد و تعمیق سه شکاف عمده را فراهم آوردند.

رویکرد ویژه‌ی مقام رهبری در برخورد با قضایای پس از انتخابات، بخش قابل توجهی از شکاف‌های دولت-دولت و دولت-ملت را ترمیم کرد و اجازه رخنه دشمن را به آن، نداد. ایشان با حمایت از خانواده انقلاب و طرفداری نکردن از اشخاص، منافذ فرادستی این شکاف را مسدود کرد، اما دهانه‌های فرودست و مادون اجتماعی آن هنوز باز بود و دشمن سرمایه‌گذاری زیادی برای ایجاد شکاف ملت-ملت انجام داده بود.

ایجاد شکاف ملت-ملت، بستر بیشتر منازعات به اصطلاح رنگی و مخملی در یک دهه گذشته بوده است. هر چند شکاف‌های اجتماعی از خصایص ذاتی تمام جوامع بشری هستند، اما استکبار با کشف پتانسیل آنها بر شکل‌گیری منازعات و خشونت‌های ویرانگر به طور جدی به مطالعه آنها در جوامع انقلابی و به تعبیری غیرغربی پرداخته است. نگاهی به اتفاقات سال‌های آغازین قرن بیست و یکم در صربستان، اوکراین، گرجستان، لهستان و حتی تایلند، به وضوح میزان اهتمام و التفات غربی‌ها به پروژه تعمیق شکاف ملت-ملت و یا توطئه خطرناک ملت در برابر ملت را نمایان می‌کند.

شکاف‌های اجتماعی در جوامع مردم‌سالار، نوع خواسته‌های اجتماعی را مشخص می‌کند و در قالب رقابت‌های مسالمت‌آمیز اجتماعی پدیدار می‌شود. اما پروژه شکاف ملت-ملت با ایجاد گسست در ساختار جامعه، به صف‌بندی اجتماعی منجر می‌شود و ممکن است به اردوکشی خیابانی و خشونت‌های ضدساختاری بینجامد. در این دیدگاه، از وجود یک «شکاف بزرگ» در

جامعه حمایت می‌شود و تمام امکانات و منابع موجود اعم از تشکیل یک حزب، سازمان‌های زیرزمینی، گروه‌های چریکی مسلح و حتی فیلم‌های سینمایی، تئاتر، شخصیت‌های سیاسی، جراید و خبرگزاری‌ها به کار گرفته می‌شوند.

در همین زمینه، گری سیک، مشاور اسبق امنیت ملی آمریکا، با اشاره به اتفاقات اخیر ایران مدعی شد: «امروز، در ایران یک جنبش اجتماعی تلاش می‌کند تا بدون توسل به رویارویی و تقابل نظامی و یا به عبارتی جنگ مدنی (غیرنظامی) در کارزار سیاسی علیه نیروی نظامی به پیروزی برسد» (<http://garysick.tumblr.com>)

در واقع، شکاف ملت-ملت ترجمان جدیدی از سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن در یک بستر مدنی و مردم سالار است که راهبرد استراتژیک غرب در برخورد با کشورهای متخاصم آمریکا به حساب می‌آید.

تدبیر رهبری در برابر این شکاف، تبیین ابعاد فتنه، بالابردن بصیرت برای تصمیم‌گیری به‌هنگام و صحیح، تبیین هویت انقلاب اسلامی، اصلی-فرعی کردن مسائل مطرح در باب انتخابات و تقویت بنیان خانواده انقلاب و تلاش برای خروج حداقلی افراد خانواده از آن، ترویج عقلانیت، معنویت و قانون‌گرایی بین مردم است. این شکاف نیز در آن مقطع در حد زیادی ترمیم می‌شود.

دو. توصیه نخبگان به عقلانیت، رعایت اخلاق و انضباط قانونی: از دیگر ابعاد فتنه، اختلاف‌انگیزی بین مسؤولان کشور بود. دشمن بعد از انتخابات برای ایجاد نفاق و نوعی تخالف اجتماعی اعم از اختلاف افکنی میان سلیقه‌های سیاسی، مذاهب و اقلیت‌های قومی، مسؤولان عالی رتبه کشور، حوزه‌های علمیه و نیز سرگرم کردن جوانان به مسائل لهو و لعب و دور کردن آنان از مسیر اصلی زندگی انقلابی ملت ایران، از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. در چنین فضایی، وحدت کلمه مسؤولان کشور و نخبگان در مسائل اصولی ضرورتی بود که ضمن بسط استنباط‌های مشترک از مفاهیم بنیادین، می‌توانست منافذ این توطئه خطرناک دشمن را مسدود کند.

در این مقطع، ورود مقام معظم رهبری برای تحکیم وفاق و هم‌دلی در کشور ضروری بود. در شرایطی که دشمن با دستاویز قرار دادن اتفاقات پس از انتخابات از هر شکافی برای امیال و اهداف خود بهره برداری می‌کرد، جریان معارض سعی داشت فضای دو قطبی ایام انتخابات را به

هر دلیل نامشروعی حفظ کند. در این اوضاع، «وحدت کلمه» و «حسن ظن» مسؤولان و نخبگان به یکدیگر زمینه‌ساز فائق آمدن بر مشکلات کشور بود. با توجه به نقش وحدت‌آفرین رهبری، استراتژی مقام رهبری بر شالوده تعامل قوا با یکدیگر حول سه محور اساسی «عقلانیت، اخلاق و انضباط قانونی» شکل گرفت (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۸/۴/۲۹). باز تعریف مجدد ایشان از روابط بین مسؤولان و نخبگان کشور ناظر به وضعیت حساسی بود که می‌توانست کشور را با حوادث غیر قابل پیش‌بینی مواجه کند.

سه دعوت نخبگان به خردورزی و انذار آنها از مردودی: جامعه مسلمان ایران یک جامعه هوشمند است که ردپای تصمیمات تاریخی آن در حداقل هزار سال گذشته مشهود و ملموس بوده است. این جامعه در زمان‌های مختلف تاریخی در نقش یک موجود غیرقابل پیش‌بینی، فعال و مؤثر ظاهر شده و بسیاری از اندیشمندان را به حیرت واداشته است. با پیروزی انقلاب اسلامی، عامل حکومتی پایا و فراگیر در قالب ولایت مطلقه فقیه، هوشمندی جامعه ایران را بیش از پیش تقویت کرده است. تصمیمات اجتماعی در سه دهه گذشته خط‌کش مدرّجی است که اندازه تکامل جامعه ایران را به دست می‌دهد.

اعتقاد بر این است که اغلب کنش‌های مؤثر جامعه ایران، تابعی از عقلانیت متکامل اسلامی در ظل هدایت‌های ولایی است که روز به روز، بر پیچیدگی آن افزوده می‌شود و اندیشمندان و تحلیل‌گران مسائل اجتماعی را بهت زده می‌کند. این موجود زنده را نمی‌توان با دکترین‌های رنگی به بازی گرفت و برای آن، نسخه‌های غربی پیچید. اما جالب اینجاست که برخی نخبگان همین جامعه در برخی از مقاطع حساس تاریخی نشان داده‌اند که محکوم به تکرار تاریخ هستند و به بیراهه می‌روند.

اشاره ظریف مقام رهبری به «مسجد ضرار»، مؤید تلاش‌های دشمن برای فریفتن این جامعه بصیر بود که مردم از این آزمون سرنوشت‌ساز سربلند بیرون آمدند. اما برخی نخبگان، فریب این ظاهرسازی‌ها را خوردند. آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم تنفیذ رئیس جمهور دهم گفتند: عظمت این انقلاب و عظمت این نظام و ریشه‌داری نظام جمهوری اسلامی در حوادث این یکی دو ماه اخیر، بیشتر برای دشمنان جمهوری اسلامی آشکار شد. این ملت، ملت با ایمانی است؛ ملت هوشیاری است؛ ملت با استعدادی است. با مسجد ضرار نمی‌شود این ملت را شکست داد.

ما در تاریخ خودمان نمونه‌هایی را از این داریم: «وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَفْرِيْقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِضْرَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُوْلَهُ» (توبه: ۱۰۷).

مقام رهبری بهترین راه اصلاح نخبگان را عقلانیت معطوف به معنویت عنوان کرد:

نخبگان سر جلسه امتحانند؛ امتحان عظیمی است. در این امتحان، مردود شدن، رفوزه شدن، فقط این نیست که ما یک سال عقب بیفتیم، سقوط است. اگر بخواهیم به این معنا دچار نشویم، راهش این است که خرد را، که انسان را به عبودیت دعوت می‌کند، معیار و ملاک قرار بدهیم؛ شاخص قرار بدهیم (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۸/۴/۲۹).

مقام رهبری در آسیب‌شناسی رفتار نخبگان سیاسی در مقطع انتخابات گفت:

اگر شما در جبهه جنگ نظامی، هندسه زمین در اختیارتان نباشد، احتمال خطاهای بزرگ هست. برای همین هم هست که شناسایی می‌روند. ... ببینند دشمن کجاست، چه جوری است، مواضعش چگونه است، عوارضش چگونه است، تا بفهمند چه کار باید بکنند. اگر کسی این شناسایی را نداشته باشد، میدان را نشناسد، دشمن را گم بکند آتش می‌کند به طرفی که اتفاقاً این طرف، طرف دوست است، نه طرف دشمن... . عرصه سیاسی عیناً همین جور است. اگر بصیرت نداشته باشید، دوست را شناسید، دشمن را شناسید، یک وقت می‌بینید آتش توپخانه تبلیغات شما و گفت و شنود شما و عمل شما به طرف قسمتی است که آنجا دوستان مجتمعد، نه دشمنان. در شناخت دشمن خطا نکنیم. لذا بصیرت لازم است، تبیین لازم است (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۸/۵/۵).

#### ۵- سیاست جذب حداکثری و دفع حداقلی

مقام رهبری در نماز جمعه ۲۹ خردادماه ۸۸، اتفاقات به‌وجود آمده بعد از انتخابات را مسائل درون نظام عنوان کرد و خطاب به دشمنان جمهوری اسلامی که تلاش داشتند این اختلاف را دعوی موافقان و مخالفان جمهوری اسلامی جلوه دهند، تأکید کرد: «چهار نفری که وارد عرصه انتخابات شدند، جزو عناصر نظام و متعلق به نظام بودند و هستند».

سه ماه بعد، با استمرار اقدامات و اظهارات برخی شخصیت‌های سیاسی، رهبر انقلاب سیاست نظام را «جذب حداکثری و دفع حداقلی» عنوان کرد و با یادآوری هندسه نظام اسلامی، ابراز امیدواری کرد که این افراد در آینده هم درون نظام بمانند.

یک تبیین چارچوب مدارا و قاطعیت در برخورد با مخالفان نظام: ایشان در نماز جمعه ۲۰ شهریور ۱۳۸۸، در مسیر اتمام حجت با جریان ساختارشکن، مبانی مواجهه نظام و انقلاب با گرایش‌های

گوناگون سیاسی و فکری را بازتیین و مرور کردند. مدارا در جای خود و قاطعیت در جای خود، اساس این تیین به عنوان دو چهره اصلی نظام اسلامی را تشکیل می‌داد.

آیت‌الله خامنه‌ای در نماز جمعه ماه مبارک رمضان سال ۱۳۸۸ ضمن تنقیح مناط در برخورد با فتنه‌گران گفتند:

برخلاف برخی تبلیغات اگر کسی یا جریانی، عقیده‌ای مخالف داشته باشد و اصطلاحاً دگراندیش باشد نظام با او کاری ندارد، اما اگر جریانی به معارضه و ضربه‌زدن روی آورد و بر روی انقلاب شمشیر بکشد، همچنان که در هیچ جای دنیا تحمل نمی‌شود، در ایران نیز نظام در دفاع از خود با او برخورد قاطع خواهد کرد.

ایشان با یادآوری چگونگی برخورد امام با دولت موقت، مخالفان لایحه قصاص و گروهک منافقین افزود: «امام ابتدا مدارا و نصیحت می‌کردند، اما وقتی این روش بی‌نتیجه می‌ماند، قاطعیت از خود نشان دادند». آیت‌الله خامنه‌ای در همین زمینه یادآوری کرد:

این گونه برخوردهای امام حتی در سطوح بالاتر از رئیس‌جمهور هم دیده می‌شد؛ به گونه‌ای که امام (ره) در اواخر عمر با کسانی که احساس کردند مدارا با آنها دیگر امکان ندارد، برخورد کردند (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۸/۹/۲۲).

پس از گذشت ۹ ماه از انتخابات ریاست‌جمهوری و با استمرار مواضع غیراصولی برخی شخصیت‌ها در زیرسؤال بردن حماسه عظیم ۴۰ میلیونی، رهبر انقلاب در دیدار با اعضای مجلس خبرگان، با اشاره به این مواضع، تأکید کردند:

ما هیچ کس را از نظام بیرون نمی‌کنیم؛ اما کسانی هستند که خودشان را از نظام خارج می‌کنند و صلاحیت حضور در چارچوب نظام اسلامی را از دست می‌دهند که از دست داده‌اند (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۸/۱۲/۶).

دو. قاطعیت رهبری در برخورد با انحراف دستگاه‌های نظام: رفتار مجرمانه برخی مسؤولین بازداشتگاه کهریزک مانند پدیده مشکوک لباس شخصی‌ها که در حوادث مختلفی مثل کوی دانشگاه دست به اقدامات خودسرانه می‌زنند، یکی از عوامل مخل در سیستم انتظامی کشور بود که منجر به ضایعات تأسف‌آور و جنایاتی شد که قلوب مردم و رهبری را جریحه‌دار کرد. این جنایت منجر به قتل سه نفر و مجروح شدن عده‌ای دیگر از آشوبگران شد. اگر چه این امور در جابه‌جایی حاشیه و متن مؤثر بود، اما بیش از آن، جریان‌سازی رسانه‌ای و تبلیغاتی جریان فتنه و

موج آفرینی و موج سواری شبکه‌های غربی شامل بی.بی.سی فارسی، سی.ان.ان و صدای آمریکا، عربیه، الجزیره و... نقش آفرین بودند. این فضا سازی‌ها عمدتاً حول پروژه‌هایی دروغین و خودساخته آنها مانند ندا آقاسلطان، سعیده پور آقایی، ترانه موسوی، فاطمه امام و کشته‌سازی تا رقم ۷۲ تن کلید خورد که با تبدیل شدن به متن افکار عمومی موجب غبار آلودتر شدن مسائل شد و در سایه آنها مسائل اصلی که حضور ۴۰ میلیونی مردم و نیز اتهام دروغ تقلب و ظلم نسبت به نظام و مردم بود، در حاشیه قرار گرفت (امینی، ۱۳۸۸: ۲۱۸).

مقام معظم رهبری دربارهٔ حوادث پس از انتخابات اخیر در کوی دانشگاه تهران تأکید کردند: در کوی دانشگاه، در آن شب معین، قطعاً تخلفات بزرگی انجام گرفته، کارهای بدی انجام گرفته. ما گفته‌ایم پرونده ویژه‌ای برای این کار تهیه شود و به طور دقیق دنبال بگردند و مجرمان را پیدا کنند و وقتی پیدا کردند، به وابستگی‌های سازمانی آنها هم هیچ نگاه نکنند و باید مجازات شوند؛ این را من به طور قاطع گفتم (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۸/۶/۴).

### ۶- رسوایی جریان فتنه در چشم مردم

در این میان، فتنه گران طی سه مرحله چهره واقعی خود را به مردم نشان دادند:

۱. در آستانه روز قدس که سیاست‌ها و آرمان‌های نظام اسلامی در دفاع از ستمدیدگان جهان زیر سؤال رفت؛
۲. در تجمع سبزها به مناسبت ۱۶ آذر در دانشگاه تهران و اهانت به ساحت بنیانگذار انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) و به آتش کشیدن پوستر ایشان؛
۳. مهم‌ترین رسوایی جریان فتنه جسارت به عزاداران و عزای امام حسین (ع) در روز عاشورا بود. گستاخی هدفمند عده‌ای در اهانت و جسارت به قرآن، مساجد، حسینیه‌ها و تکیه‌ها، نذورات، عزاداران و مراسم حسینی، تخریب اموال عمومی، به بازی گرفتن مقدسات مردم و شعار علیه اصل ولایت فقیه.

### نتیجه

حل بحران فتنه ۱۳۸۸ بر پایه دو رکن اساسی صورت پذیرفت؛ مدیریت جامع، پویا و منعطف مقام معظم رهبری بر پایه مکتب، عقلانیت و قانون در دو مرحله پیشینی (دفعی) و پسینی (رفعی) و بصیرت، عقلانیت و دین‌مداری جامعه ولایی. در این تحقیق، تلاش شد براساس این

چارچوب نقش مدیریت مقام معظم رهبری و میزان پذیرش و جایگاه بصیرت جامعه ولایی تحلیل شود. دیدیم که در فرآیند این مدیریت ویژگی‌های کاریزمایی جایگاهی نداشت و آنچه مبنای مدیریت رهبری بود، عناصر مکتب، عقلانیت و قانون بود.

تمام تلاش مقام معظم رهبری در مدیریت مرحله پیشنی و دفعی معطوف به پیشگیری از وقوع جریانات فتنه و مواجه شدن نیروهای مختلف انقلاب با یکدیگر و به چالش کشیدن ارزش‌های انقلاب اسلامی بود. در جمع بندی این مرحله می‌توان به مواردی اشاره کرد که عبارتند از:

آگاهی بخشی به نخبگان و خواص در مراحل مختلف؛ جلوگیری از رفتار غیراسلامی و بی‌انصافی در نقد کارگزاران نظام اسلامی؛ ورود به میدان نقد منصفانه عملکرد کارگزاران نظام اسلامی؛ گوشزد کردن مکرر اهمیت استراتژیک حضور حداکثری مردم در انتخابات؛ بازخوانی مکرر هویت و سیرت انقلاب اسلامی برای کم نکردن مسیر اصلی انقلاب توسط نخبگان و آحاد مردم؛ ورود به عرصه آسیب‌شناسی حرکت سه دهه پیشین انقلاب اسلامی؛ جلوگیری از تخطئه و زیر سؤال بردن کارآمدی نهادهای قانون اساسی؛ تبیین دقیق اهداف دشمن در زیر سؤال بردن سلامت انتخابات و به تبع آن کم کردن مشارکت مردم و پایین آوردن مقبولیت نظام؛ تلاش برای جداکردن صف معترضین به انتخابات از طرق قانونی با دشمنان نظام؛ تبیین و ترویج رقابت سالم انتخاباتی از جمله در جریان مناظره‌ها؛ دعوت به رعایت منطق و گفتگوی مبتنی بر رعایت اخلاق و عقلانیت در رقابت‌های انتخاباتی.

می‌بینیم که مقام معظم رهبری در فرایندی درازمدت با پیش‌بینی بسیاری از وقایع و استشمام آغاز برخی انحرافات از خطوط اصلی انقلاب، با گفتمان‌سازی بر مدار عقلانیت و اصول اساسی انقلاب اسلامی به تبیین سیرت انقلاب و متوقف نشدن در صورت آن پرداختند. همچنین، برای بهبود مستمر وضعیت افراد از جمله برخی نخبگان تلاش کردند و با اتمام حجت با نخبگان در پیشگاه مردم و در میان گذاشتن بسیاری از مسائل با گروه‌ها و اقشار مختلف مردم، با سنت شکنی‌ها، بداخلاقی‌ها و بدعت‌گذاری‌های رقابتی مبارزه کردند. از سوی دیگر، در برابر اشتباهات و نقدهای وارد بر کارگزاران کوتاه نیامدند و با بیان نقدهای آنان به شیوه‌ای اخلاقی و تبیین و ترویج دینی، عقلانی و منطقی شیوه صحیح رقابت، تلاش کردند از رخ نمودن انحراف و بروز فتنه‌ای که مانند آتش زیر خاکستر در کمین انقلاب اسلامی و نظام است

جلوگیری کنند. اما برخی در این میدان مقهور قدرت فتنه شدند، امر بر آنان مشتبه شد، در غبار فتنه، راه گم کردند و مردود شدند و شد آنچه نباید می‌شد. از این پس، شرایط و شیوه مدیریت میدان فتنه توسط مقام معظم رهبری تغییر می‌کند و راهبردهایی متناسب با فضای جدید را پی می‌گیرد.

هنگامی که فتنه رخ نمود، مقام معظم رهبری به دنبال بازگرداندن آرامش به فضای جامعه و مطمئن شدن خود و مردم از عدم بروز تخلف و کم کردن هزینه‌ها و خطرهای برای نظام و مردم بودند. همچنین، سعی داشتند تا حد امکان مانع از خروج نیروهای خانواده انقلاب از آن شوند. از سوی دیگر نیز اجازه زیر سؤال بردن مقبولیت و کارآمدی نظام را ندادند و به دنبال نشان دادن توان، جایگاه، نقش و انعطاف ولایت فقیه و پویایی این مقوله در برابر چالش‌ها و بحران‌ها بودند. اهم فعالیت‌های ایشان عبارتند از:

تلاش برای حل مسائل از طریق گفتگو؛ دعوت به رعایت قانون و تأکید بر پیگیری مطالبات از طریق نهادهای قانونی؛ تبیین راهکار بصیرت برای خروج به سلامت از امتحان فتنه؛ اصلی - فرعی کردن مسائل و تأکید بر اینکه مسأله اصلی حضور ۸۵٪ درصدی مردم است، نه انتخاب شخص خاص؛ اعتمادسازی بین مردم نسبت به نظام با در جریان قرار دادن آنها و قراردادن معیار عقلانیت، اخلاق و انضباط قانونی؛ تبیین جایگاه حقیقی مردم در نظام مردم‌سالاری دینی؛ تبیین مسؤلیت‌های خاص حاضر در متن فتنه و خواص ساکت در برابر فتنه؛ به کار گرفتن استراتژی مدارا و رفق و انداز از مردود شدن و سقوط خواص؛ تبیین دشمن‌شناسی و شناخت ترفندهای دشمن برای خواص و آحاد ملت؛ حمایت از خانواده انقلاب به جای شخص خاص؛ سپردن نظام به صاحب اصلی آن و گره زدن دل مردم با معنویات و اصول مکتبی انقلاب اسلامی؛ در پیش گرفتن استراتژی جذب حداکثری و دفع حداقلی؛ تبیین چارچوب مدارا و قاطعیت در برخورد با مخالفان نظام؛ قاطعیت در برخورد با اقدامات مجرمانه نیروهای نظام در برابر مخالفان.

دیدیم که مقام معظم رهبری در این مرحله با انعطاف کامل از مدار مدارا به مدار قاطعیت حرکت می‌کنند؛ به گونه‌ای که مردم نیز در این حرکت با رهبری هم نفس و هم صداست و حماسه ۹ دی را می‌آفریند. معیار رهبری در فرایند حرکت از مدارا به قاطعیت نیز رعایت



ارزش‌های دینی و سنت‌های اسلامی، عقلانیت، اخلاق و انضباط قانونی است؛ چارچوبی که برای آحاد مردم ملموس است و هر کس برخلاف آن حرکت کند، به طور واضحی محکوم است. رهبری در این مقطع هیچ‌گاه از فرایندی که می‌بایستی طی شود، غفلت نورزید تا از طرفی فرصتی باشد برای بازگشت برخی افراد و از سویی ماهیت مخالفان، خود به خود مشخص شود تا مردم خودشان او را از صحنه بیرون کنند. بررسی این هم‌افزایی آحاد مردم با رهبری خود مجالی وسیع می‌طلبد تا ابعاد جامعه شناختی و روان شناختی آن هر چه بیشتر باز شود. البته، این هم‌افزایی محصول مجموعه‌ای از دین‌مداری، مکتب‌گرایی و عقلانیت محوری و قانون‌گرایی است که در مقاطع مختلف انقلاب اسلامی رخ نموده و مسائل انقلاب را حل کرده است.

Archive of SID

## منابع

- قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
- افتخاری، اصغر و ابولحسن حسین زاده، (۱۳۹۰)، «اصول و ارکان الگوی مدیریت سیاسی امام خمینی»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۶
- امینی، پرویز، (۱۳۸۹)، جامعه شناسی ۲۲ خرداد، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ اندیشه.
- بشیریه، حسین، (۱۳۷۲)، انقلاب و بسیج سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۷)، جامعه شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران، نشر نی.
- بی‌نا، (۱۳۸۳)، «بی‌پرده با هاشمی رفسنجانی»، روزنامه کیهان، دوم فروردین.
- پایگاه تحلیلی خبری عصر ایران، کدخبر: ۳۳۲۷۳، ۲۰/۱۰/۱۳۸۶، <http://www.asriran.com/view.php?id=33273>
- حسینی، حسین، (۱۳۸۱)، رهبری و انقلاب: نقش امام خمینی در انقلاب اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده امام خمینی (ره).
- دهخدا، علی اکبر، بی‌تا، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا.
- رضائیان، علی، (۱۳۷۴)، اصول مدیریت، تهران، سمت، چاپ ششم.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۹)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، سمت.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۹)، مدیریت رفتار سازمانی، تهران، سمت.
- روزنامه ابتکار، شماره ۱۴۹۸، ۲۶/۳/۱۳۸۸،
- سایت اینترنتی تابناک، کدخبر: ۱۳۸۹/۳/۲۴، لینک منبع خبر: [www.tabnak.ir](http://www.tabnak.ir)؛ ۱۰۴۲۱۷
- سایت تابناک، ۱۳۸۸/۱۰/۱۰، کدخبر: ۷۹۳۵۳؛ لینک منبع خبر: [www.tabnak.ir](http://www.tabnak.ir)
- سخنان هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه تهران، اردیبهشت ۸۸
- سخنان هاشمی رفسنجانی در مراسم سی امین سالگرد قانونگذاری در مجلس شورای اسلامی نقل از (خبرگزاری کار ایران، ۸۷/۹/۱۲)
- شفیعی، عباس، (۱۳۷۸)، سبک رهبری امام خمینی، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و انتشارات امیر کبیر.
- فروید، ژولین، (۱۳۶۲)، جامعه شناسی ماکس وبر، ترجمه نیک گهر، تهران، نشر نیکان.
- مجموعه بیانات مقام معظم رهبری در سایت [khamenei.ir](http://khamenei.ir)

مهدوی زادگان، داود، (۱۳۸۴)، «شیوه رهبری امام خمینی و سیادت وبری»، مجله علوم سیاسی، شماره ۲۹.

وب سایت شخصی گری سیک، <http://garysick.tumblr.com>

وبر، ماکس، (۱۳۷۴)، اقتصاد و جامعه، ترجمه عمادزاده و دیگران، تهران، انتشارات مولی.

Archive of SID